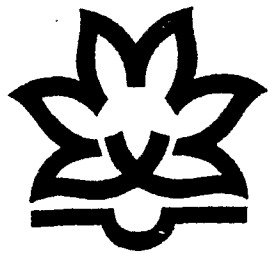


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه ارومیه

تحلیل محتوایی رباعیات عطار

فهری اوامر سلیمان

دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

۱۳۸۸

پایان نامه برای دریافت درجه ی کارشناسی ارشد

۱۳۸۹ / ۴ / ۸

استاد راهنما: دکتر محبوب طالعی

کتابخانه و اسناد و اطلاع رسانی
تعمیر و نگهداری

۱۳۸۶۱۲

بسمه تعالی

پایان نامه آقای «فهری اوامر سلیمان» با عنوان «تحلیل محتوایی رباعیات عطار»، به شماره

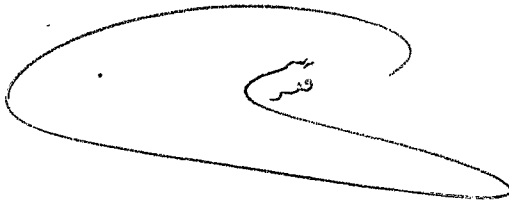
۲۱۱-۲ الف، در تاریخ ۸۸/۶/۲۱ با رتبه عالی و نمره ۲۰ نسیب

مورد پذیرش هیأت محترم داوران قرار گرفت.

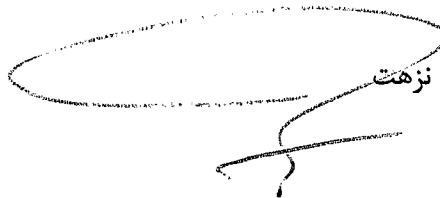
۱- استاد راهنما و رئیس هیأت داوران: دکتر محبوب طالعی



۲- داور خارجی: دکتر فاطمه مدرسی



۳- داور داخلی: دکتر بهمن نزهت



۴- نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر مسعود بیات



(حق طبع و نشر محتوای پایان نامه برای دانشگاه ارومیه محفوظ است.)

تقدیم به:

روان پاک پدر و مادرم

فرزندان و همسر خوب و صبورم

سپاس نامه:

سپاس و ستایش ، خداوند را، از ازل تا به ابد، که توفیق تدوین این رساله را بر اینجانب ارزانی داشت. و درود بیکران بر بزرگ آموزگار مدرسه ی عشق و انسانیت، پیامبر برگزیده ی او باد.

از استاد دکتر محبوب طالعی که کار راهنمایی اینجانب در امر تدوین و تنظیم این رساله را برعهده داشتند، نهایت تقدیر و تشکر می شود. همچنین از سرکار خانم دکتر مدرس‌ی که در طول این مدت از هیچ گونه ارشاد و راهنمایی بی دریغ ننمودند، قدردانی و سپاسگزاری فراوان می شود.

با سپاس فراوان از تمام اساتید محترم گروه زبان و ادبیات فارسی به ویژه استادان دکتر عبیدی نیا و دکتر مظفری که در انتخاب این موضوع ایجاد شوق و انگیزه نمودند.

همچنین، از مدیران و متصدیان کتابخانه ی دانشکده ی زبان و ادبیات فارسی، به خاطر همکاریشان، تقدیر و تشکر می شود.

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۳	فصل اول: کلیات و تعاریف
۳	۱: هویت تاریخی و جایگاه عطار در شعر فارسی
۳	۱-۱: نام و القاب
۴	۱-۲: پدر و مادر عطار
۴	۱-۳: زادگاه عطار
۵	۱-۴: تاریخ ولادت و شهادت عطار
۶	۱-۵: نسب نامه ی معنوی عطار
۷	۱-۶: همسر و فرزندان
۷	۱-۷: عدم درباری بودن عطار
۷	۱-۸: شغل عطار
۸	۱-۹: مذهب عطار
۹	۱-۱۰: معلومات عطار
۹	۱-۱۱: علاقه عطار به داستان پردازی
۱۰	۱-۱۲: آثار عطار
۱۱	۱-۱۳: جایگاه عطار در شعر فارسی
۱۲	۱-۱۴: تأثیر و تأثر عطار
۱۴	۲: رباعی
۱۴	۲-۱: تعریف رباعی
۱۵	۲-۲: منشأ و سیر تطور و تحول رباعی
۱۶	۲-۳: وزن رباعی
۱۸	۲-۴: انواع رباعی
۱۸	۳: مختارنامه
۲۱	فصل دوم: خدا شناسی، دین و اخلاق در رباعیات عطار
۲۱	۱: توحید
۲۱	۱-۱: توحید
۲۴	۱-۲: وحدت وجود
۲۶	۱-۳: تجلی
۲۹	۱-۴: خداشناسی
۳۲	۱-۵: ظهور و خفا (پیدایی و پنهانی) حق
۳۴	۱-۶: وجود و عدم (هستی و نیستی)

عنوان صفحه

۲۶	۱-۷: استغراق، حلول واتحاد
۳۸	۱-۸: قضا و قدر
۳۹	۱-۹: شرک
۴۱	۲: معرفت
۴۱	۲-۱: معرفت
۴۴	۲-۲: خود شناسی
۴۶	۲-۳: حیرت
۴۹	۲-۴: سیر
۵۲	۲-۵: غیب
۵۴	۲-۶: بصیرت
۵۶	۲-۷: نام و ننگ
۵۷	۲-۸: معنی
۵۹	۲-۹: عجز و نومیدی بشر در شناخت و رسیدن به حق
۶۱	۳: دین
۶۱	۳-۱: سیمای رسول اسلام (ص) در رباعیات عطار
۶۲	۳-۲: در فضیلت یاران پیامبر (ص)
۶۵	۳-۳: عقاید دینی
۶۷	۳-۴: مناجات
۶۸	۴: اخلاق
۶۸	۴-۱: ریا و نفاق
۶۹	۴-۲: کبر و رعناپی
۷۰	۴-۳: تواضع
۷۱	۴-۴: صدق و یکرنگی
۷۲	۴-۵: بی وفائی و عهد شکنی
۷۲	۴-۶: عیب جوئی و غیبت خلق
۷۲	۴-۷: قناعت
۷۳	۴-۸: گناه
۷۳	۴-۹: عُجب (خود بینی)
۷۳	۴-۱۰: شکر
۷۳	۴-۱۱: مرد حق و مخالف باطل بودن
۷۳	۴-۱۲: حلم
۷۴	۴-۱۳: بخل (خست)

فصل سوّم: سیر و سلوک و عشق در رباعیات عطار

۷۵	۱: سیر و سلوک عارفانه
----	-----------------------

عنوان	صفحه
۱-۱: طریقت	۷۵
۱-۲: سالک	۷۶
۱-۳: پیر و مرشد	۷۸
۱-۴: شطح و طامات صوفیانه	۷۹
۱-۵: حجاب	۸۱
۱-۶: خرقه	۸۳
۱-۷: جمع و تفرقه	۸۴
۱-۸: محو و اثبات	۸۵
۱-۹: تجرید و تفرید	۸۷
۱-۱۰: حضور و غیبت	۸۹
۱-۱۱: فنا و بقا	۹۱
۲: عشق	۹۴
۲-۱: تقسیمات عشق	۹۵
۲-۱-۱: عشق طبیعی و الهی	۹۵
۲-۱-۲: عشق مجازی و حقیقی	۹۵
۲-۱-۳: عشق ازلی و باده ی الست	۹۷
۲-۱-۴: عشق کیهانی	۹۷
۲-۲: موضوعات متعلق به عشق	۱۰۰
۲-۲-۱: درد و غم عشق	۱۰۰
۲-۲-۲: سوختن، صفت عشق آمد	۱۰۱
۲-۲-۳: تقابل عشق و عقل	۱۰۱
۲-۲-۴: تقابل عشق و عافیت	۱۰۲
۲-۲-۵: انحصارطلبی در عشق	۱۰۲
۲-۲-۶: عشق کیهانی	۱۰۳
۲-۲-۷: عشق ازلی و میثاق الست	۱۰۳
۲-۲-۸: قلندر	۱۰۴
۲-۲-۹: خرابیات	۱۰۵
۲-۲-۱۰: باده ی عشق	۱۰۶
۲-۳: معشوق	۱۰۶
۲-۳-۱: استغنائی معشوق	۱۰۷
۲-۳-۲: حُسن و جمال معشوق	۱۰۸
۲-۳-۳: بی وفایی معشوق	۱۰۸
۲-۳-۴: شکایت از معشوق	۱۰۹
۲-۳-۵: توصیف معشوق به «ترک»	۱۰۹
۲-۳-۶: عتاب و سرزنش معشوق	۱۱۰

صفحه	عنوان
۱۱۰	۲-۳-۷: در وصف ساقی
۱۱۱	۲-۳-۸: شاهد
۱۱۱	۲-۳-۹: غیرت معشوق
۱۱۲	۲-۳-۱۰: وصال
۱۱۲	۲-۴: عاشق
۱۱۳	۲-۴-۱: وفاداری عاشق
۱۱۳	۲-۴-۲: خاکساری و نگونساری عاشق
۱۱۴	۲-۴-۳: گریه و اشک عاشق
۱۱۴	۲-۴-۴: دیوانگی و جنون عاشقانه (تضاد عقل و عشق)
۱۱۵	۲-۴-۵: محرم راز
۱۱۵	۲-۴-۶: رند
۱۱۶	۲-۵: اقسام ریاضات
۱۱۶	۲-۵-۱: ترک دنیا
۱۱۸	۲-۵-۲: ترک هوای نفس
۱۲۰	۲-۵-۳: خلوت و عزلت
۱۲۱	۲-۵-۴: خاموشی و سکوت
۱۲۵	۲-۵-۵: وقت
۱۲۶	۲-۵-۶: سماع
۱۲۸	۲-۶: مقامات
۱۲۹	۲-۶-۱: توبه
۱۳۱	۲-۶-۲: صبر
۱۳۲	۲-۶-۳: فقر و درویشی
۱۳۴	۲-۶-۴: زهد
۱۳۵	۲-۶-۵: رضا
۱۳۷	۲-۶-۶: طلب
۱۳۹	۲-۷: احوال
۱۳۹	۲-۷-۱: مراقبت
۱۴۰	۲-۷-۲: محبت
۱۴۲	۲-۷-۳: خوف و رجا
۱۴۳	۲-۷-۴: قرب و بعد
۱۴۶	فصل چهارم: انسان و جهان آخرت در رباعیات عطار
۱۴۶	۱: جایگاه انسان
۱۴۶	۱-۱: گوهر والای انسان
۱۴۷	۱-۲: انسان خلاصه ی آفرینش

عنوان صفحه

۱۴۷	۱-۳: انسان جهان بزرگ و عالم اکبر
۱۴۷	۱-۴: دو شخصیتی انسان
۱۴۸	۱-۵: انسان جامع اضداد
۱۴۸	۱-۶: رابطه‌ی انسان با خدا
۱۵۱	۱-۷: انسان و لطیفه‌ی دل
۱۵۴	۱-۸: انسان و لطیفه‌ی روح (جان)
۱۵۹	۲: علوم رسمی
۱۶۱	۲-۱: علم نجوم
۱۶۲	۲-۲: فلسفه
۱۶۳	۲-۲-۱: کلّ و جزو
۱۶۳	۲-۲-۲: «حادث» و «قدیم»
۱۶۳	۲-۲-۳: «جوهر»
۱۶۴	۲-۳: علم کلام
۱۶۷	۲-۴: علم روانشناسی
۱۶۸	۳: مرگ و جهان آخرت
۱۶۸	۳-۱: مرگ
۱۶۸	۳-۱-۱: مرگ اختیاری
۱۶۹	۳-۱-۲: مرگ طبیعی
۱۷۲	۳-۲: مرگ و جهان آخرت در رباعیات
۱۷۲	۳-۲-۱: مرگ طبیعی
۱۷۳	۳-۲-۲: رویکرد خیامی عطار به مرگ
۱۷۳	۳-۲-۳: غفلت و بی‌خبری از گذشت عمر
۱۷۴	۳-۲-۴: سستی و پیری
۱۷۴	۳-۲-۵: در مرثی‌های رفتگان
۱۷۵	۳-۲-۶: روی زمین خاک رفتگان است
۱۷۵	۳-۲-۷: عالم برزخ
۱۷۶	۳-۲-۸: حسابرسی در روز رستاخیز
۱۷۶	۳-۲-۹: بهشت و دوزخ

فصل پنجم: رمز، تمثیل و روایت در رباعیات عطار

۱۷۸	۱: رمز در رباعیات عطار
۱۸۰	۱-۱: رخ
۱۸۱	۱-۲: زلف
۱۸۲	۱-۳: خال
۱۸۲	۱-۴: خطّ
۱۸۳	۱-۵: لب

صفحه	عنوان
۱۸۳	۱-۶: دهان
۱۸۴	۱-۷: چاه زرخندان
۱۸۵	۱-۸: چشم
۱۸۵	۱-۹: ابرو
۱۸۶	۱-۱۰: مژگان
۱۸۶	۱-۱۱: غمزه
۱۸۷	۱-۱۲: قد و قامت
۱۸۷	۱-۱۳: موی میان
۱۸۸	۱-۱۴: زَنار
۱۸۸	۲: تمثیل
۱۹۰	۲-۱: تمثیل در رباعیات عطار
۱۹۰	۲-۱-۱: تمثیل شمع و پروانه
۱۹۰	۲-۱-۲: تمثیل گل و بلبل
۱۹۰	۲-۱-۳: تمثیل گل و گلابگر
۱۹۱	۲-۱-۴: تمثیل صبح و عاشق دلسوخته
۱۹۱	۲-۱-۵: تمثیل شمع و صبح
۱۹۱	۲-۱-۶: تمثیل شمع و آتش
۱۹۱	۲-۱-۷: تمثیل شمع و گاز
۱۹۲	۲-۱-۸: تمثیل شمع و انگبین
۱۹۲	۲-۱-۹: تمثیل مرغ و کله ی سلطانی
۱۹۲	۳: روایت در رباعیات عطار
۱۹۲	۳-۱: روایات اساطیری و افسانه ای
۱۹۲	۳-۱-۱: اسطوره ی آفرینش (خلقت)
۱۹۳	۳-۱-۲: خلقت آدم
۱۹۵	۳-۱-۳: خضر
۱۹۶	۳-۱-۴: آب حیات
۱۹۷	۳-۱-۵: اسطوره ها، افسانه ها و قهرمانان حماسی ایران در رباعیات عطار
۱۹۹	۳-۱-۶: سیمرغ
۲۰۱	۳-۲: روایات تاریخی
۲۰۱	۳-۲-۱: محمود غزنوی
۲۰۲	۳-۲-۲: شیخ صنعان
۲۰۳	۳-۲-۳: اسکندر
۲۰۴	۳-۲-۴: حلّاج
۲۰۵	۳-۳: روایات دینی
۲۰۵	۳-۳-۱: یوسف ^(ع)
۲۰۶	۳-۳-۲: موسی ^(ع)
۲۰۶	۳-۳-۳: عیسی ^(ع)
۲۰۷	۳-۳-۴: نوح ^(ع)

صفحه	عنوان
۲۰۷	۳-۳-۵: یحیی (ع)
۲۰۷	۳-۳-۶: زردشت
۲۰۸	فصل ششم: نتیجه گیری
۲۱۰	فهرست آیات
۲۱۲	فهرست احادیث
۲۱۴	فهرست آیات
۲۲۷	کتابنامه

چکیده:

از میان آثار مسلم شیخ عطار، یکی «مختار نامه» است که شامل مجموعه ی رباعیات وی است، و اساس کار پایان نامه ی حاضر نیز هست، بنابر آخرین نسخه ی تصحیح شده ی استاد شفیعی کد کتی - چاپ سوم، سال ۱۳۸۶ - شامل ۲۲۷۹ رباعی می باشد، و در پنجاه باب تنظیم و تدوین شده است.

در پژوهش حاضر، با عنوان «تحلیل محتوایی رباعیات عطار» سعی شده، با بررسی و تجزیه و تحلیل رباعیات شیخ عطار، نظرات و دیدگاه های عارفانه و عاشقانه و پیش شاعرانه ی او را درباره ی موضوعات و مطالب گوناگونی، از قبیل: خداشناسی، هستی شناسی، انسان شناسی، عشق، مرگ و جهان آخرت، مسایل اجتماعی، اخلاقی و... که در رباعیات خود، بدان توجه داشته و ذهن او را به خود مشغول نموده، بیان نماید.

روش کار در تدوین این رساله، به این صورت بوده است که درباره ی موضوعاتی که در رباعیات عطار آمده، نخست تعریف و توضیح مختصری از نظر دیگر مشایخ اهل عرفان و نویسندگان و محققان، به عنوان مقدمه و مدخل موضوع، آورده شده، سپس نظر عطار بر اساس دیگر آثارش بیان شده، آنگاه دیدگاه شیخ با توجه به رباعیات وی، ذکر شده است.

مطالب و مباحث این پژوهش در شش فصل، به شرح زیر تنظیم شده است: فصل اول: کلیات و تعاریف؛ شامل زندگینامه و آثار عطار، معرفی مختارنامه، و سیر تطور و تحول تاریخی رباعی. فصل دوم: درباره ی توحید، خداشناسی و دین بحث می کند. در فصل سوم، سیر و سلوک عارفانه و موضوع عشق، مورد بررسی قرار گرفته. و در فصل چهارم، از انسان و جهان آخرت سخن گفته شده. و در فصل پنجم، رمز و روایت و تمثیل در رباعیات عطار بررسی شده است. و بالاخره فصل ششم، که شامل نتیجه گیری است.

کلید واژه:

رباعیات، عطار، توحید، عرفان، انسان، عشق و رمز و روایت

نشانه های اختصاری:

ص: صفحه

صص: صفحات

ز: رباعی

ب: بیت

غ: غزل

ق: قصیده

مقدمه:

درباره ی شیخ عطار نیشابوری، می توان گفت، بهترین عبارتی که بتواند ارزش والای شخصیت عرفانی و ادبی او را بیان کند، عبارتی باشد که از سوی اندیشمندان و محققان معاصر درباره ی وی گفته شده، «شیخ فرید الدین عطار نیشابوری از آن مردان مشهور و در عین حال ناشناخته ی ادبیات فارسی است. و شاید چند تن دیگر از شاعران پارسی زبان نیز چنین باشند، زیرا اینان نه مرد روزگار خود و نه مرد روزگار ما، بلکه مرد زمان و عصری هستند که ممکن است تکامل بشر و علو انسانیت از این پس آن را به وجود آورد». (فروزانفر، ۱۳۷۴، ص: ۱)

شیخ عطار، با وجود وسعت اندیشه، ژرف نگری، نکته بینی، صفای باطن، صداقت و خلوص گفتاری که از آن بهره مند بوده - این حقیقت در آثار برجسته ای که از خود به یادگار گذاشته به روشنی پیداست - با این حال، ناشناخته مانده، و پژوهشگران و عطار شناسان دلیل عمده ی این ناشناخته ماندن را در این می بیند که گروه کثیری از شاعران دوران بعد از شیخ، بر اثر اشتراک اسم یا اشتراک تخلص، از روی اغراضی دیگر، نام عطار را بر خود بسته، در حالیکه دارای آثاری سست و بی مایه و به دور از موازین یک اثر ادبی معمولی نیز بوده اند، و این باعث عدم اقبال شایسته و در خور، از آثار عطار شده است. عطار، آن آزاده مرد، با مناعت طبع و روح بلندی که داشت. برخلاف رسم زمانه ی خود، نه حطام ناچیز دنیوی، نه شهرت طلبی و نه هیچ عامل دیگری، نتوانست او را وادار کند که در مسلک شاعران درباری دربیاید و شعر خود را به مدح کسی بیالاید. بلکه خطاب او متوجه اقدار مختلف جامعه بود، و پیام روحانی خود را - که در تمام آثار مسلم او به چشم می خورد - با زبانی شاعرانه، روان و شیوا، و با استفاده از قصه و تمثیل و با بهره گرفتن از رمز و زبان رمزی، و از طریق روایات مجذوبان، همه و همه را به خدمت گرفته تا آن پیام روحانی و آسمانی را، که «ای انسان! هر چه هست و هر چه موجود است، همه تویی. و هر چه هست، در جان و روان تو نهفته است، پس در خود سفر کنید»، به گوش جان آدمیان عصر خود و دوران پس از خود برساند:

تا سفر در خود نیاری پیش، تو کی به کنه خود رسی از خویش، تو

گر به کنه خویش ره یابی تمام قدسیان را فرع خود یابی مدام

(ب: ۱۷۶۸-۹، ص: ۱۹۸، مصیبت نامه)

از این طریق، خواسته که انسان را متوجه جایگاه و هویت اصلی و حقیقت وجود برتر و متعالی خود سازد، و جان هایی که از زنگار انانیت و تعلقات دنیوی و پیروی از هواهای نفسانی تیره و مکدر شده اند، از این تیرگی و اسارت و بردگی برهاند. و آینه ی دل و جانشان را صیقل دهد، صاف و زلال نماید، تا انوار شهود حق بر جان ها و روان هایشان پرتو افشانی کند و ظهور و تجلی یابد، و به سوی سرمنزل مقصود روانه شوند.

عطار، هرگز خود را جزو طایفه ی صوفیه و عرفا به حساب نیاورده و دعوی یی در این زمینه نداشته است، جز دعوی دوستی دوستان حق. خود شیخ در این باره می گوید: من نیز دعوی دوستی دوستان تو می کنم و خود را بر فتراک ایشان می بندم و مشغول سخن ایشان می شوم و باز می رسانم. خداوندا و پادشاهها! اگر چه این سخن را هیچ نیم و می دانم که از هیچکسان این راهم [طریقت]، اما محب احوال و احوال و رموز و اشارات ایشانم. (تذکره الاولیاء، ۱۳۸۶) ص ۹) اما اندیشمندان و

پژوهشگران عرصه ی ادب و عرفان ایران، اقرار و اذعان دارند، چنانچه ادبیات عرفانی ایران مانند مثلثی فرض شود، مسلماً عطار یکی از سه ضلع آن مثلث است، به همراه دو ضلع دیگر آن یعنی مولوی و سنایی. (مقدمه ی مختارنامه، (۱۳۸۶) ص ۱۷)

یکی از آثار شیخ نیشابور، مجموعه ی رباعیات او است که به نام «مختارنامه» شهرت یافته است و نتیجه ی تراوش اندیشه های پاک و زلال معنوی از عالم عرفانی درون تصفیه و تجلیه یافته ی اوست، که مطالعه ی آن دانش و بینش معنوی را به ارمغان می آورد، و روان ها را نوازش داده ذوق طلب و شوقِ وصال و دیدار معشوق را در جان ها زنده می کند.

مختارنامه ی عطار، که موضوع رساله ی حاضر نیز هست، بر اساس نسخه ی تصحیح شده ی استاد شفیع کدکنی سال (۱۳۸۷) چاپ سوم شامل حدود ۲۲۷۹ رباعی است که به تناسب موضوع در پنجاه باب تنظیم و تبویب شده است.

ابواب پنجاه گانه ی مختارنامه، شامل مطالب و موضوعات گوناگونی است، چون عرفان، دین و مذهب، مسائل اجتماعی، وصف طبیعت مانند بهار و گل و صبح و شب، موضوعات عاشقانه چون وصف چشم و لب، و خط و خال، و قد و میان، درمندی عاشق، بی وفایی معشوق، مرگ، مرثی رفتهگان و...

هدف و انگیزه ی تحقیق:

شناخت زمینه و قلمرو اندیشه و دیدگاهها، بینش شاعری و جهان بینی شیخ عطار، از طریق بررسی و تجزیه و تحلیل مضامین و معانی و مفاهیمی که شیخ در رباعیات خود از آنها بهره گرفته، می توان از اهداف و انگیزه های تدوین رساله ی حاضر به حساب آورد. همچنین امید است که این تحقیق و پژوهش، توانسته باشد در جهت ایجاد انگیزه ی تحقیق و بررسی های بیشتر، در آثار و شخصیت عطار، نقشی هرچند کم رنگ ایفا کرده باشد.

پیشینه ی تحقیق:

به طور عام مجموعه ی رباعیات عطار کمتر مورد پژوهش و تحقیق قرار گرفته است و با مراجعه ی حضوری به کتابخانه های دانشگاههایی چون ارومیه، تبریز و تهران، همچنین جستجو در سایت های اینترنتی، بانکهای اطلاعاتی و مراجع الکترونیکی - تا آنجا که مقدور بود - مشخص گردید که در مورد تجزیه و تحلیل محتوایی رباعیات عطار، پیش تر هیچگونه پژوهش و تحقیقی صورت نگرفته است.

روش تحقیق:

اطلاعات و معلوماتی که در تدوین این پایان نامه مورد استفاده قرار گرفته است، قسمتی از راه مطالعه ی منابع مرتبط با موضوع، جمع آوری شده و قسمت دیگر از طریق مطالعه و دسته بندی موضوعی تک تک رباعیات مختارنامه و تجزیه و تحلیل آنها به دست آمده، که در هر دو قسمت از روش فیش برداری استفاده شده، که پس از دسته بندی و تلفیق و تنظیم آنها، همراه با تجزیه و تحلیل های لازم، کار تدوین رساله صورت گرفته است. و کار تدوین و گنجانیدن اطلاعات و معلومات نهایی در این تحقیق به این صورت بوده که در مورد هر موضوعی که در رباعیات عطار به آن اشاره شده، تعریف و شرح مختصری از اندیشمندان و مشایخ صوفیه ارائه شده، سپس دیدگاه عطار براساس دیگر آثار مسلم او مورد بررسی اجمالی قرار گرفته است، آنگاه نظر عطار، با توجه به رباعیات وی بیان شده است. لازم به ذکر است که نسخه ی تصحیح شده ی استاد شفیع کدکنی، (۱۳۸۶)، چاپ سوم، اساس کار در این پژوهش بوده است.

"وَجِنَّا بِيضَاعَةَ مُزْجَاةٍ" ۸۸/۱۲

فصل اول: کلیات و تعاریف

در هر پژوهشی، قبل از وارد شدن به متن اصلی، شرح و توضیح بعضی از موضوعات و مطالب مقدماتی و کلی ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین، قبل از پرداختن به تحلیل رباعیات عطار و شرح دیدگاه‌های او در مورد موضوعاتی که در رباعیات وی مطرح شده - که موضوع اصلی این رساله است - در مورد بعضی تعاریف و مطالب مقدماتی سخن گفته می‌شود، مانند:

۱: هویت تاریخی و جایگاه عطار در شعر فارسی

۲: منشأ رباعی و سیر تطور و تحول آن

۳: مجموعه ی رباعیات عطار (مختارنامه)

۱- : هویت تاریخی و جایگاه عطار در شعر فارسی

عطار، آن پیر نیشابور، از آن دسته عارفانی است که دارای جایگاه برجسته‌ای است در عرفان و فرهنگ و ادب ایران، اما آن گونه که بایسته است، این جایگاه و مقام شناخته نشده است.

هویت تاریخی و زندگی نامه ی عطار نیز، هنوز در پرده ی ابهام است، و زوایای مهم زندگی اش از قبیل سال تولد، سال وفات، استادان، شاگردان، سلسله ی مشایخ او در تصوف و... در هاله ای از تاریکی قرار دارد و هیچ یک از این موارد به طور قطع روشن نیست. و بیشتر آنچه در این باره گفته شده، از سند تاریخی و قطعی و اثبات شده ای برخوردار نبوده و خیلی از اظهار نظرها از روی حدس و گمان و احتمالات بوده است.

همانگونه که اشاره شد، آنچه در مورد عطار و زندگینامه اش، چه در تذکره ها و آثار قدیم و چه در آثار معاصران آمده است، غالباً با حدس و گمان و احتمالات و افسانه ها همراه بوده، و این پوشیده ماندن و دن پرده ابهام قرار گرفتن زندگینامه ی واقعی عطار، باعث شده شخصیت او « در فاصله حقیقت و رؤیا و افسانه و واقعیت در نوسان باشد»^(۱).
بنابراین، بدون وارد شدن در تفصیل و جریات آنچه گذشتگان و بعضی از معاصران در مورد عطار گفته اند، به طور اجمال بعضی از جوانب مهم زندگی عطار، براساس نتایج مطالعات و پژوهشهای چند تن از ادیبان و پژوهشگران معاصر، همچون استاد فروزانفر، ریتز، زرین کوب، شفیعی کدکنی، سعید نفیسی و... مورد توجه و تأمل قرار می‌گیرد:

۱-۱: نام و القاب

نام او « محمد » است، و در این تردیدی نیست و روایتی است مطابق با آنچه او خود در چند مورد از همانمی خویش با پیامبر^(ص) یاد کرده است:

آنچه آن را صوفی «آن» می گوید به نام ختم شد آن بر محمد والسلام

من محمد نامم و این شیوه نیز ختم کردم، چون محمد، ای عزیز!

(ب: ۵ - ۷، ۱۵۴، ص: ۴۲۹، مصیبت نامه)

^(۱) عطار نیشابوری، فریدالدین محمد ابراهیم، (۱۳۸۷)، منطق الطیر، مقدمه و تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ پنجم، تهران، سخن، ص ۳۰

(ب: ۴۰۶، ص: ۲۴۹، منطق الطیر)

و قول راجح و مورد اطمینان در مورد کنیه ی او « ابو حامد » و لقبش « فریدالدین » است و تخلص « عطار » نیز در تمام آثار او به حد وفور دیده می شود، که گاه فرید نیز تخلص می کند. پس تقریباً با اطمینان می توان گفت شاعر مورد بحث ما « فریدالدین ابو حامد محمد عطار » و در نیشابوری بودن او تردیدی نیست.^(۱)

۱-۲: پدر و مادر عطار

نام پدر عطار، بنا بر مشهور ابراهیم و کنیه اش ابوبکر بوده است، که گاه بنام « یوسف » و « محمود » نیز یاد شده است.^(۲) استاد شفیعی کدکنی در این باره می گوید: نام پدرش، به احتمال قوی ابوبکر ابراهیم بوده است، و شاید نام جدش هم اسحاق بوده باشد، چون دولت شاه با همه کم اعتباری بعضی سخنانش به این دو نام توجه کرده و تا دلایلی بر رد آنها نداشته باشیم می توانیم آن را بپذیریم، بخصوص که مزار پدرش، در زادگاه عطار هنوز هم با نام مزار شیخ ابراهیم، معروف به پیر زروئند، معروف است و زیارتگاه مردم.^(۳)

درباره شغل پدر عطار، گفته شده، پدرش دارو فروش بوده و دکان عطاری داشته و شیخ عطار، دکان و شغل پدر را بوراثت اداره می کرده است.^(۴)

در شرح احوال عطار، درباره ی مادرش آمده است که آن زن اهل معنی بود و نفس مؤثر و آه سحرگاهی عرش گداز داشت و ملت بیست سال می رفت که طریق زهد پیش گرفته و خلوت گزیده بود و مایه ی استظهار و پشت دار شیخ بود. و تاریخ وفات او بنا بر حدس و فرض فروزانفر، به سال (۵۹۸) یا (۶۰۳) اتفاق افتاده است.^(۵)

۱-۳: زادگاه عطار

عطار، در کدکن متولد شده است و کدکن از روستاهای بسیار قدیم و کهن سال نیشابور قدیم است، که اکنون در تقسیم بندی های جدید، جزء بخشهای تربت حیدریه به شمار می رود. استاد شفیعی کدکنی، در مورد اینکه زادگاه عطار روستای کدکن بوده است، با ذکر دلایلی بر آن تأکید می کند و می گوید: در اینکه عطار متولد کدکن بوده، تقریباً جای شکی نیست زیرا هم دولت شاه به این نکته اشاره کرده و هم در سنگنوشته ی گور او که در عصر علیشیر نوائی (متوفی ۹۰۶ ه. ق) فراهم آمده زادگاه وی زروئند کدکان ثبت شده و جزء مسلمیات عصر بوده است:

شد زرش را خاک نیشابور کان مولدش زروئند و کدکانش مکان^(۶)

(۱) - فروزانفر، بدیع الزمان، (۱۳۷۴)، ص ۱ - ۳ و عطار نیشابوری، (۱۳۸۶)، ص ۲۳ و عطار نیشابوری، (۱۳۸۷)، منطق الطیر، ص ۳۱

(۲) - فروزانفر، (۱۳۷۴)، ص ۳، زرین کوب، عبد الحسین، (۱۳۸۳)، صدای یال سیمخ (درباره زندگی و اندیشه ی عطار)، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سخن، ص ۲۵

(۳) - عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد، بن ابراهیم، (۱۳۸۶)، مختارنامه، تصحیح محمد رضا شفیعی کدکنی، چاپ سوم، تهران، انتشارات سخن، ص ۲۲

(۴) - فروزانفر، (۱۳۷۴)، ص ۳-۴ و زرین کوب، (۱۳۸۳)، ص ۱۳

(۵) - فروزانفر، (۱۳۷۴)، صص ۴ - ۵

(۶) - عطار، (۱۳۸۶)، مختارنامه، صص ۲۳ و ۲۵؛ و فروزانفر، (۱۳۷۴)، ص ۶۶

۱-۴: تاریخ ولادت و شهادت عطار

در باب تاریخ ولادت شیخ، هیچ سند تاریخی قطعی در دست نیست و مثل اکثر جوانب دیگر زندگیش آشکار و روشن نیست. هلموت ریتز در باره ی سال شهادت او به دست سپاهیان چنگیزخان می گوید:

بنا به گزارش ناموثق و افسانه وار گویا در حمله ی مغول به ایران به هنگام تصرف زادگاهش (نیشابور) به دست سپاهیان چنگیزخان در سال (۶۲۷ ه.ق / ۱۲۲۹ م)، یا (۶۳۲ ه.ق / ۱۲۳۴ م) و به احتمال در سال (۶۱۷ ه.ق / ۱۲۲۰ م) به قتل رسیده است.^(۱)

استاد فروزانفر در شرح حال شیخ طی یک بحث مفصل و با انواع استدلال، گفته های تذکره نویسان در مورد سال ولادت و مرگ (شهادت) او، دور از حقیقت تلقی نموده، و در مورد نتیجه ای که خود بدان رسیده می گوید:

گمان می رود که ولادت شیخ در حدود سال (۵۴۰ ه.ق) اتفاق افتاده و وفات او به سال (۶۱۸ ه.ق) و در قتل عام نیشابور به دست مغول واقع شده و او نزدیک به هشتاد سال و علی التحقیق هفتاد و اند سال زندگانی کرده است.^(۲)

زرین کوب هم، سال تولد و شهادتی که مرحوم فروزانفر برای عطار در نظر گرفته، پذیرفته و به ۷۸ سال زندگی کردن شیخ اشاره کرده است.^(۳)

شفیعی کدکنی روی تاریخ درگذشت (۶۲۷ ه.ق) که دولت‌شاه سمرقندی می گوید، نظر موافقی دارد.^(۴) و این قول، چون از قرائن و دلایل بیشتری برخوردار است، تا پیدا شدن مدارکی قطعی تر که چیزی برخلاف آن ثابت کند، می توان آن را قولی راجح در نظر گرفت.

در مورد محل شهادت و مدفن شیخ نیز، روایت ها نقل شده، که به روایتی که در مقدمه ی مختارنامه از شفیی کدکنی آمده، اشاره می شود: عطار احتمالاً در منطقه ی شادیاخ نیشابور شهادت یافته و در همان جا دفن شده است، و امروز مزار او یکی از بناهای تاریخی است که مسافران نیشابور به زیارت آن می روند. این ساختمان در عصر علیشیر نوایی ساخته شد.^(۵)

۱-۵: نسب نامه ی معنوی عطار

در مورد چگونگی ورود شیخ عطار، به حلقه ی صوفیان و گرایش او به تصوف، جامی در تفحات الانس روایتی را نقل کرده و می گوید: « روزی در دکان عطاری مشغول و مشغوف معامله بود، درویشی آنجا رسید و چند بار شیءٌ لِلَّهِ گفت، وی به درویش نپرداخت، درویش گفت ای خواجه تو چگونه خواهی مرد؟ عطار گفت: چنانکه تو خواهی مرد، درویش گفت: تو

(۱) - ریتز، هلموت، (۱۳۷۷)، دریای جان، ترجمه مهرآفاق بایبوردی، جلد اول، چاپ دوم، تهران، الهدای، ص ۱

(۲) - فروزانفر، (۱۳۷۴)، ص ۷

(۳) - زرین کوب، (۱۳۸۳)، صص ۲۴ و ۴۲ و ۴۴

(۴) - عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد بن ابراهیم، (۱۳۸۶)، تذکره الاولیاء، تصحیح محمد استعلامی، چاپ هفدهم، تهران انتشارات زوار، ص ۲۵

و عطار، (۱۳۸۷)، منطق الطیر، صص ۵۳ و ۶۲ و ۷۰

(۵) - عطار، (۱۳۸۶)، مختارنامه، ص ۳۰

همچون من می توانی مرد؟ عطارگفت: بلی، درویش کاسه ی چوبین داشت زیر سر نهاد و گفت « الله » و جان بداد، عطار را حال متغیر شد و دکان برهم زد و به این طریق [صوفیه] درآمد.^(۱)

اما اغلب محققان معاصر که در آثار و زندگینامه ی عطار کنکاش و پژوهش نموده اند روایت جامی را بی اساس دانسته اند، چون خود شیخ عطار در مقدمه ی تذکرة الاولیاء در انگیزه ی نوشتن آن می گوید: « دیگر باعث، آن بود که بی سببی از کودکی باز، دوستی این طایفه در جانم موج می زد و همه وقت مفرح دل من سخن ایشان بود ». و همچنین « دیگر باعث، آن بود که دلی داشتم که جز این سخن نمی توانستم گفت و شنید، مگر به گره و ضرورت و مالا بد ». ^(۲)

بنابراین، گرایش به تصوف در کودکی در وجود او موج می زده و سخنی جز سخن روحانی بزرگان صوفیه عطش باطنی اش را فرو نمی نشانده و او را ارضاء نمی نموده است. و برای درآمدن به سیلک صوفیه نیازی به چنین حکایات افسانه گونه نبوده است.

تذکره نویسان نسب معنوی شیخ نیشابور را به سلسله های صوفیه مختلفی نسبت داده اند، و هرکدام او را پیرو مراد یا سلسله ای می دانسته اند، که گویا هیچ یک از این روایت ها پایه ای جز تخیلات و احتمالات تذکره نویسان و تاریخ نگاران نداشته است. برای مثال استاد فروزانفر، علاوه بر ردّ قول جامی در مورد بدایت ورود عطار به حلقه ی صوفیان، قول دیگر او را نیز که شیخ را از پیروان نجم الدین کبری به حساب آورده، بی اساس می داند.^(۳) همچنین روایت دولتشاه سمرقندی را نیز، که عطار را از مریدان رکن الدین کاف می دانسته، ناصواب می داند.^(۴)

استاد فروزانفر خود، با استناد به آنچه در خسرونامه آمده، می گوید: « پیر او، به احتمال قریب به یقین سعدالدین بن ابوالفضل بن الریب بوده است ». ^(۵) اما استاد شفیعی کدکنی در این باره می گوید، چون ما ثابت کرده ایم که خسرونامه، مسلماً از عطار نیست^(۶)، بحث در این باره از بنیاد نادرست می دانیم^(۷). سپس یک سلسله نسب معنوی برای عطار در مقدمه منطق الطیر آورده، و آن را دارای اصالت می داند: « صاحب مجمل فصیحی، نسب معنوی عطار را به ابوسعید ابوالخیر می رساند، بدین گونه: وفات الشهد المرحوم المبرور الشیخ فریدالحق و المله و الدین عطار به نیشابور. و او مرید شیخ جمال الدین محمد بن محمد التُّغْتُزْدی الطوسی المعروف بالامام الربانی است و او از شیخ شریف الدین الرداد و او از خال خود شیخ صلاح الدین الاستاد و او از شیخ نورالدین منور و او از خواجه ابوالفتح طاهر و او از جد خود ابوسعید... از نوع افراد این سلسله می توان حدس زد که این سلسله دارای اصالت است، چون اگر قرار بود جعل کنند از نام شخصیت های معروف جعل می کردند. همین که این افراد، در فاصله ی عطار تا نورالدین منور، سه تن ناشناخته اند، خود دلیل این است که چنین سلسله ای وجود داشته است و نسب معنوی عطار، از رهگذر آن افراد، به ابوسعید ابوالخیر می رسیده است.^(۸) سپس شفیعی کدکنی، در ادامه ی این بررسی ها پس از اشاره به مدارک و اسناد مختلف، به این نتیجه می رسد که نسبت عطار به این سلسله قطعی است، و چنین می گوید: « با اطلاعاتی که در باب الامام الربانی و شریف الدین الرداد، و صلاح الدین احمد الاستاذ به دست

(۱) - فروزانفر، (۱۳۷۴)، ص ۱۷

(۲) - عطار، (۱۳۸۶)، تذکرة الاولیاء، ص ۷

(۳) - فروزانفر، (۱۳۷۴)، ص ۳۷

(۴) - فروزانفر، (۱۳۷۴)، ص ۳۰

(۵) - همان، ص ۳۷

(۶) - شفیعی کدکنی، در مقدمه مختارنامه از ص ۳۴ تا ص ۵۹ با ارائه دلایل گوناگون منسوب بودن « خسرونامه » به عطار را ردّ کرده است

(۷) - عطار، (۱۳۸۶)، مختارنامه، ص ۲۷

(۸) - عطار، (۱۳۸۶)، منطق الطیر، ص ۶۴